

کشورهای صنعتی و استعمال مواد مخدر

این گزارش که حاوی عصاره و خلاصه مذاکرات سمینار اخیر یونسکو است برای اولین بار در مطبوعات فارسی منتشر میشود ، و تا آنجا که اطلاع داریم مطالب مربوط به آن در مطبوعات خارجی نیز بدین جامعیت هنوز منعکس نشده است . این سمینار در مهرماه امسال در پاریس تشکیل شده و از آقای دکتر احسان نراقی که خود از مسئولان تشکیل سمینار بوده و گزارش مشروح آنرا اختصاصاً برای «نگین» ارسال داشته‌اند صمیمانه تشکر می‌کنیم .

نگین



استعمال مواد مخدر هنوز برای جوامع غربی بصورت يك مساله لاینحل و پیچیده باقیمانده است . مؤسسات مسئول و سازمانهای حزبی و اولیاء وتوده مردم در مطبوعات هیچکدام نتوانسته‌اند این مساله را آنطور که باید درك کنند . نظرات و عقایدی که درباره مساله اعتیاد به مواد مخدر وجود دارد چیزی جز يك رشته پیشداوری نیست و گوئی که مردم از درك حقیقت دوری می‌جویند . یکی از دلائل این طرز تفکر نادرست که متأسفانه زواج دارد تمایل جامعه به بازگرداندن معتادان بزندگی قبل از اعتیاد است در حالیکه جوان معتاد پس از ترك اعتیاد و بازگشت بزندگی و محیط اولیاءش بلافاصله متوجه میشود که رفتار اطرافیان نسبت به او با گذشته فرق دارد و با او بدچشم يك معتاد سابق نگاه میکنند . شرکت کنندگان در سمینار بر این عقیده‌اند که ترك اعتیاد وقتی به نتیجه کامل و مثبت میرسد که اجتماع با حسن تعبیر و آغوش باز شخصی را که ترك اعتیاد کرده بپذیرد و با فراهم آوردن محیط کار وزندگی مطلوب او را در تصمیم بهرمانی از اعتیاد و برخورداری از يك زندگی سالم یاری دهد .

علت اعتیاد چیست ؟

تجربیات شرکت کنندگان در سمینار در این خلاصه میشود که درهم شکستن آخرین حلقه زنجیر مقاومت شروع اعتیاد است . افراد بیکی و تنها و ناامید از سوئی و افراد بظاهر برخوردار از همه چیز از سوئی دیگر چون در تلاشهای زندگی در میمانند ، به مواد مخدر پناه میبرند . گرفتاریهای ممتد زندگی (پدر الکلی یا مادر طلاق گرفته‌ای که از عهده تربیت فرزندش بر نمی‌آید ، شکست‌های تحصیلی ، مشکلات محیط کار و روابط ناسازگار با

یونسکو در مبارزه با استعمال زیان بخش مواد مخدر گام بزرگی برداشته است و در برنامه‌ای که سال گذشته به تصویب کنفرانس عمومی یونسکو رسید تشکیل سمینارهای متعددی نیز برای بررسی استعمال مواد مخدر در کشورهای صنعتی منظور گردیده است . وجه تمایز سمینار اخیر یونسکو با سایر سمینارهای مشابه در برگزیدن شرکت کنندگان آن بوده است . این بار بجای اینکه دانشمندان و متخصصین بدورهم جمع شوند افرادی که هیچ مقام یا منصب خاصی نداشتند برای بررسی مساله اعتیاد به مواد مخدر به تبادل نظر پرداختند . شرکت کنندگان در سمینار افرادی بودند که به دلائلی مختلف با معتادان جامعه خود در تماس نزدیک بوده و شناخت و انگیزه شخصی و بشردوستانه آنها را به کمک معتادان کاشانده است .

شرکت کنندگان در سمینار یونسکو همه بر این عقیده بودند که استعمال مواد مخدر و ترك خانواده و فرار جوانان از خانه و مدرسه و خودکشی و خشونت و ستیزه‌جویی تمام تظاهرات مختلف يك پدیده واحد یعنی ناسازگاری روانی و اجتماعی جوانان است .

عامل دیگر عدم کنترل واقعی در فروش مواد مخدر (از قبیل هروئین و مورفین و ال اس دی) است . از طرفی مشروبات الکلی - داروهای مسکن و داروهای محرك که باندازه مواد مخدر مضر است سهولت در دسترس مردم است و هیچ گونه مانعیتی در اشاعه آن بعمل نمی‌آید . نکته دیگری که در این سمینار مورد بحث قرار گرفت این بود که

اطرافیان و جزاینها) از جمله عوامی هستند که عجز و درماندگی مطلق معنادار تشدید میکنند.

نکته دیگری که مورد توجه شرکت کنندگان در سمینار یونسکو قرار گرفته اینست که تا ده سال پیش که استعمال مواد مخدر بیشتر در کشورهای شرق و شرق دور بیشتر در طبقات محروم رواج داشت این مسئله چندان موجب وحشت و نگرانی کشورهای غربی نبود ولی از زمانیکه مصرف مواد مخدر در طبقات مرفه و حتی طبقات بسیار بالای مغرب زمین رواج پیدا کرد کشورهای غرب پانگرانی زیاد متوجه مسأله اعتیاد شده و خواستار بررسی و چاره‌جویی این مسأله در سطح جهانی گردیده‌اند.

تجارب و مشاهدات در کشورهای مختلف

نمایندگان کشورهای مختلف هر يك تجارب خود را در باره مسأله اعتیاد بازگو کردند. نمایندگان « هلند » که خود را « Street corner workers » « خدمتگزاران خیابانی » مینامند ضمن تشریح تجارب و مشاهدات خود میگویند که افراد گروه آنها توانسته‌اند با صبر و شکیبایی بتدریج اعتماد معنادان را بخود جلب کرده و موجبات ترك اعتیاد آنها را فراهم آورند. بزرگترین مشکل معنادان « تنهایی » و رنج از تنهایی است و آنها در تماس با افراد گروه خدمتگزاران درمی‌یابند که ماده مخدر خود چیز لذت‌بخشی نیست بلکه وسیله‌ای است برای برقراری رابطه با دیگران. وقتی معناد به رابطه و دوستی با افراد گروه خدمتگزاران اعتماد پیدا کرد و با آن خود گرفت كمك در ترك اعتیاد آسان‌تر میشود.

این تجربه منحصر بکشور هلند نیست. در دانمارک و آلمان فدرال و بلژیک نیز از چندسال پیش گروه‌هایی با همین شیوه به مبارزه با اعتیاد برخاسته‌اند. برای مثال گروه « نجات » « Release » در هامبورگ از عده‌ای جوان که اکثر آنها خود قبلاً معناد به مواد مخدر بوده‌اند تشکیل شده است. يك سوم مخارج این گروه از طرف شهرداری هامبورگ تأمین میشود و بقیه مخارج را خود افراد گروه با برقراری کسرت به تهیه صفتخه و برنامه‌های تلوژیونی تأمین میکنند.

افراد این گروه معتقدند مبارزه با اعتیاد وقتی نتیجه میرسد که بتوان زندگی یا عالم دیگری را جایگزین زندگی تخیلی معناد کرد. افراد این گروه شخصاً بمجالست با معناد می‌پردازند و ادعا می‌کنند که آنها وقتی وارد عمل میشوند که روانشناسان و روانپزشکان از معالجه معناد بازمانده‌اند باوجود اینکه مسئولین امور از روش این گروه چندان رضایتی ندارند ولی مجبورند آنها را تحمل کنند و از ایشان برای نجات دیگران كمك بخواهند.

باید اشاره کرد که در کشور آلمان جرم ۳۰ درصد جوانان زندانی استعمال مواد مخدر است و ۸۰ درصد جوانانیکه از زندان آزاد میشوند از زمره مصرف‌کنندگان مواد مخدر هستند. از این رو مقامات مسئول آلمان ناچارند به گروه مزبور متوسل بشوند.

در انگلستان در سال‌های اخیر گروه‌های مختلفی برای مبارزه با اعتیاد بفعالیت پرداخته‌اند که از مهمترین آنها گروه « افسق جدید » « New Horizon » در مرکز لندن است. و مقر آن میعاد اشخاص مختلف است: جوانی که در نتیجه بیکاری دست بسرقت زده و یا پلیس و دادگستری درگیر است و اینك به كمك و راهنمایی يك وکیل مدافع احتیاج دارد - دختر جوانی که پدر و مادر خود را ترك کرده و برای امرار معاش به فحشاء کشیده شده و اکنون در جستجوی رهائی از فحشاء است - جوان دیگری که دچار عوارض متعدد و ناراحت‌کننده « ال . اس . دی » « L.S.D. » است و كمك میخواهد. کودکان پتیم و بی‌پناه و یا کودکانیکه خانواده آنها بعلت طلاق و جدائی از هم گسیخته شده است و زندگی ناپامانی دارند. اولین چیزی که نظر مراجعین مرکز « افسق جدید » را بخود جلب میکند خوشروئی و خوش خلقی این افراد است که میکوشند با هم دلی با معناد او را در انتخاب راه تازه‌ای كمك کنند. یکی از مسئولین اصلی « افسق جدید » شرکت‌کننده در سمینار که ظاهر بسیار ساده و بی‌تکلف و تاحدی همی مآب داشت در ابتداء کثیش بوده است.

« افسق جدید » با كمك مادی و معنوی يك موسسه مذهبی بوجود آمده است و با پلیس لندن نوعی توافق ضمنی بعمل آورده‌اند که افراد پلیس در اطراف مرکز « افسق جدید » دیده نشوند تا مراجعین براحتی و بدون دغدغه خاطر با این مرکز رفت و آمد داشته باشند.

تجرب‌های کشور دانمارک در مبارزه با اعتیاد

کشور دانمارک برای مبارزه با اعتبار مواد مخدر دست به فعالیتهای مختلف زده است ابتدا عده‌ای از اولیاء کیسا چنین مصاحت دیدند که زیر زمین یکی از کلیساها را اختصاص به معنادانی بدهند که جا و مکان ندارند و بتدریج مقامات پلیس را راضی کردند که مزاحم معنادان نشوند تا این گروه که خود را سپاه کلیسا « Church Army » نام گذارده‌اند بتوانند معنادان را یاری نمایند و از آنجمله خانه‌هایی برای سکونت معنادان در شهر اجاره کنند. متأسفانه اشخاص ناباب و فرورشدگان مواد مخدر باین خانه‌ها رخنه کردند و کار بجائی رسید که ناچار این خانه‌ها را منحل ساختند. پس از آن دست به تجربه دیگری زدند. بدین معنی که معنادانی را که شخصیت بالنسبه متعادلی دارند و از دوستی با افراد غیر معناد یرخوردارند پس از معالجه بمدت چند هفته در گروه‌های کوچک همراه با يك مددکار اجتماعی بخارج از شهر بفرستند تا در این مدت بتوانند ترك اعتیاد کند و سعی کند که رابطه انسانی مددکار با معنادان سابق بهیچ وجه قطع نشود و سالها ادامه داشته باشد. از تشکیلات وسیع دیگری که در کشور دانمارک وجود دارد کلینیک‌های روزانه و کلینیک‌های شبانه و کلینیک‌های سزدائی و موسساتی است که بر دورانی بعد از ترك اعتیاد نظارت و سرپرستی دارند و نیز در شمار همین دست معنادان از موسسات « نوتوانی » نام برد. بطور کلی در شهر کپنهاگ پنج مرکز بزرگ وجود دارد که هر يك روش خاصی را برای درمان‌های خود بکار می‌برند. در کلوب جوانان این شهر که ۳۷۰ عضو دارد ۱۷ مددکار اجتماعی کار میکنند که وظیفه درمانی آنها ایجاد روابط سالم انسانی و ادامه طولانی این روابط با معنادان است.

کشور دانمارک که در این روش درمانی تجربیات زیادی دست آورده است بتازگی هر مددکار اجتماعی را در تماس دائم با دو معنادی قرار میدهد که اینک کافیه برای ترك اعتیاد دارند و در این ارتباط انسانی مددکار به تمام مسائل و مشکلات معنادان وارد میشود و هشیارانه یا ناخودآگاه نقش پدر - مادر - برادر و خواهر و حتی من « Ego » بیمار را برعهده میگیرد و معناد را در راه رشد شخصیت « خودیانی » تا مراحل و نتیجه نهائی یاری میکند. نقش این مددکاران اجتماعی از نظر روانکاوی و روان درمانی در مراحل مختلف فرق میکند. هر نظر شخص بیماری که از اجتماع بریده و از روابط اجتماعی کناره‌گرفته ولی گاهی نماینده اجتماع بشمار میآید چیزی که زیاد برای بیمار خوشایند نیست. گاهی ناخودآگاه نقش مادر را برعهده میگیرد و با برسرپاری از معناد مانع پیشروی سیر قهرقرائی او شده و موجبات رشد روانی و عاطفی بیمار را فراهم میآورد و به معناد زندگی دوباره میدهد گاهی پدر مهربانی میشود که به ارزشهای تحصیلی اجتماع که مورد طرد معناد است اعتنا نمیکند و به معناد امکان میدهد ارزشهای جدیدی را در شخصیت تازه خود بیاید. در تمام این دوره تحول شخصیت وسیر وسلوك « خودیابی » مددکار اجتماعی باید همراه و همپای معناد باشد تا این ارتباط انسانی سالهای سال ادامه پیدا کند و معناد نه تنها مبادرت به ترك اعتیاد نماید بلکه در این تولد جدید « خود واقعی » « Real Sealf » را بیابد.

این تجربه نه تنها سرانجام به درمان معنادان می‌انجامد بلکه ناپامانیها و بیماریهای اجتماع را که معناد قادر بمقابله با آنها نبوده است نیز بمانشان میدهد. و هر جا که بین اجتماع ترك شده و معناد مطرود تضادهائی دیده شود مددکار اجتماعی ناچار است که آنها را برطرف کند و با ایجاد محیط تازه مسیر صحیح اجتماع را باو بنمایاند.

تجارب کشور بلژیک

مسأله گریز نوجوانان از خانه و مدرسه در بلژیک مشکل تازه‌ای را بوجود آورده که مضار و مضاطرات آن از اعتبار و مواد مخدر بیشتر است. در این کشور هر سال بیش از ۱۵ هزار نوجوان از خانه و خانواده خود میگریزند

و متعاقب آن مرتکب انواع بزه‌ها شده و دیر یا زود مبتلی به مواد مخدر میگردند. معتاد معمولاً برای اعتراض به جامعه به مواد مخدر پناه می‌برد در حالیکه در بزرگ اعتراض به جامعه و کنش بسوی تجربیات تازه در زندگی در مرحله اول بصورت ترک خانه و خانوادگی و مدرسه تظاهر میکند.

مصرف الکل و داروهای مسکن و خواب‌آور در سوئد

مصرف مواد مخدر غیر مجاز تنها مسأله‌ای نیست که سوئد با آن مواجه است، باید مصرف بیش از حد مشروبات الکلی را نیز بآن اضافه نمود. در سال ۱۹۷۲ در سوئد ۱۱۰۶۴ نفر را بجرم مسنی بازداشت کرده‌اند و در همین سال ۳۹۳ نفر بر اثر افراط در مشروب‌خواری در گذشته‌اند و باین حال مصرف الکل روز بروز زیادتر میشود. گذشته از این مصرف داروهای مسکن اعصاب و خواب‌آور نیز روپزنده است. در سال ۱۹۷۲، ۸۷۰ میلیون قرص مسکن در سوئد مصرف شده است یعنی بطور متوسط سالی صد قرص برای هر نفر. اکثر کسانی که از داروهای مسکن استفاده می‌کنند در همان شرایط زندگی معنادار بمواد مخدر نیز می‌روند باین تفاوت که کارشان غیر قانونی نیست و بزه‌کار محسوب نمیشوند و زمانیکه بر اثر افراط در مصرف قرص مسکن در تنهایی و اطاق محقر خود می‌میرند کسی از آن خبر دار نمیشود. کلیه شرکت‌کنندگان در این سمینار خاطر نشان کردند که نمیتوان راه حل معجزه آسایی را برای مبارزه با مشکل اعتیاد پیشنهاد کرد. روشهایی را که هریک از این کشورها بکار می‌برند برای خود آنها هم در مرحله تجربه است و نمیتوان در انتظار نتایج درخشان فوری بود. مهم آنست که در جامعه روحیه‌ای بر اساس حس‌تعاون و همبستگی اجتماعی بوجود بیاید، چون در واقع خشونت و عدم تحمل و طرد مردم در جوامع غرب یکی از عوامل اصلی توسل جوانان به مواد مخدر است. تا زمانیکه خشونت جامعه غرب بیک نوع ملایمت و رفت و حسن تفاهم تبدیل نشود بازگرداندن جوانان معتاد به جامعه امکان پذیر نیست و تا روزیکه درک اعتیاد و رفتار افراد جامعه نسبت به معتاد تغییر نکند توسل به درمان‌ها و روش‌های کنونی برای جلوگیری از اشاعه مواد مخدر به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. در این شرایط نه مدرسه و نه مسائل ارتباط جمعی به تنهایی نقش موثری نخواهند داشت مهم آنست که همه به اتفاق آراء بپذیرند که استعمال مواد مخدر در درجه اول یک امر اجتماعی است و لذا باید قضائی و پزشکی موجود باید بتدریج جای خود را به یک دید روابط اجتماعی و انسانی بدهد.

نظر مطبوعات رسمی

چندین گزارش درباره مطبوعات اروپا و آمریکا در رابطه با مسأله اعتیاد به مواد مخدر در این سمینار مطرح شد. مهمترین نتیجه بررسی جرایم این بوده است که مواد مخدر یکی از مهمترین منابع خبری برای مطبوعات است. مردم بانگرانی و درعین حال نوعی کنجکاوی خاص اخبار مربوط به مواد مخدر را مطالعه می‌کنند چون از کثت تا تجارت و توزیع و مصرف مواد مخدر همه مراحل مرهوز و ناآشنا برای مردم است. موضوع تجارت غیر قانونی مواد مخدر بوسیله «مافیاء» در آمریکا و ماجراهای مربوط به آن از موضوعاتی است که همیشه برای خوانندگان تازگی دارد. هر چند روزنامه‌های سنگین و جدی مثل «واشنگتن پست» و «نیویورک تایمز» در آمریکا و «لوموند» در فرانسه و «تایمز» در انگلستان گاهگاهی با انتشار مطالبی میکوشند درک عوامل مختلف تولید و تجارت و مصرف مواد مخدر را برای خوانندگان خود تشریح کنند ولی بطور کلی روزنامه‌ها برای جلب نظر خوانندگان به جنبه‌های هیجان‌انگیز این مسأله بیشتر می‌پردازند و در نتیجه بجای روشن شدن علل و عوامل مربوط به تجارت و قاچاق و استعمال مواد مخدر دامنه اوهام و تصورات نادرست را در اذهان عمومی گسترش میدهند. مثلاً تا چندی پیش در اکثر جرایم آمریکا صحبت از توطئه بزرگی میشد که «خارجیان» برای تضعیف ملت آمریکا طرح کرده‌اند. بهمین جهت افکار عمومی آمریکا طرفدار منع کثت خشخاش است. آنچه افکار عمومی را در آمریکا به هیجان آورد گزارش سناتور «مورفی» در سال ۱۹۶۷ درباره اشاعه مواد مخدر در میان سربازان آمریکائی در ویتنام بود. از آن زمان مسأله اعتیاد سربازان آمریکائی همچنان اهمیت خود را در مطبوعات حفظ کرده است. بررسی مطبوعات نشان میدهد که جنبه پستی و

جنائی مبارزه با مواد مخدر بر جنبه هشیار کردن نسل جوان برتری داشته است.

مطبوعات جوانان

انتشارات منتسب به جوانان که آثار انتشارات «Underground» یا زیرزمینی میخوانند مواد مخدر را بدو دسته تقسیم کرده است اول مواد ملایم دوم مواد قوی. مواد ملایم مانند حشیش و ماری‌جوانا است که اعتیادشان بحدت خطر موارد دسته دوم نیست و مواد قوی شامل هروئین و ال. اس. دی. وغیره میباشد. این نشریات اولاً معتقد به تفکیک این مواد هستند ثانیاً استعمال مواد مخدر ملایم را کم‌خطرتر از مواد قوی میدانند و با استعمال مواد مخدر قوی مبارزه می‌کنند و مبارزه آنها بطور کلی با مبارزات مطبوعات دیگر فرق دارد. در این نشریات دلایل استعمال مواد مخدر ملایم را اینگونه شرح میدهند:

۱- فرار از عالم واقع: درک و کشف ذوق هنری و عوالم شاعرانه و در این مورد به شعرا و نویسندگانی مانند «بودلر» و «آلفرد دو موسه» اشاره میکنند.

۲- انتقاد از مفهوم سلامت: در انتشارات جوانان مفهوم سلامتی که در مطبوعات دیگر بکار میرود با طنز مورد انتقاد قرار میگیرد برای آنها آدم سالم مرادف با آدم محافظه‌کاری است که منحصراً بدنبال پول و مقام است و وجود او از نظر روابط و شخصیت انسانی منشاء اثر برای دیگران نیست. از نظر این‌گونه مطبوعات انسان سالم یعنی انسانی رها شده از هر قید و بند جامعه. تعادل روحی و سلامت واقعی در صورتی مفهوم دارد که انسان همه این تجارب از جمله استعمال مواد مخدر (البته ملایم) را بدست بیاورد و نه اینکه از آنها بگریزد.

۳- وسیله درک معرفت: برای جامعه معرفت تنها از راه آموزش و هشیاری کامل و درک عقلانی مقدور است، در حالیکه برای نویسندگان این مطبوعات مسنی و از خود بیخودی و نشئه هم راهی دیگر برای کسب معرفت است. در نظر آنها سستی ناشی از مواد مخدر ملایم اولاً باعث شک و تردید نسبت به معانی و اصولی است که آموزش متداول در اذهان بوجود آورده است و ثانیاً وسیله درک مراحل و عواملی است که از راههای متداول فکری میسر نیست. آنها معتقدند معرفتی از این راه نسبت به عالم واقعی و عالم مادی و عوالم درونی حاصل میشود که دست‌یابی به آن از راه منطقی و تحقیق عینی میسر نیست. رفتار آدمی آنچنانکه «فریود» میگوید تا حد زیادی ناشی از مسیر باطن یا ضمیر ناخودآگاه اوست که باید از راههای دیگری بآن دست یافت.

۴- از جنبه‌های دیگر اعتیاد به مواد مخدر نوعی اعتراض جوانان نسبت به جامعه مصرف‌کننده سرمایه‌داری است و در مقابل جامعه سرمایه‌داری نئو-بورژوازی جامعه معنادار را بصورت دشمن و مخرب جامعه نگاه میکند و چون معتاد که خود قربانی جامعه مصرف‌کننده است همه جا مورد شامت و ملامت جامعه میباشد لذا خود را موظف بیک نوع مبارزه‌ای باین جامعه سود جو میدانند.

مطردین یا منزویان اجتماع

اشاره شد که چگونه معتادان بعثت از هم‌گسستی‌های خانوادگی - شکست تحصیلی - بیکاری - طغیان - درپردری - معاشرت‌های ناسالم و مشکلات توان فرسای دیگر درمانده و بیکی از «دایره» و اجتماع طرد میشوند و چون قطعات چوب و فضولاتی که در ساحل با موج آب-بالا و پائین میروند در حاشیه اجتماع زندگی و دنیای خاصی برای خود بوجود آورده‌اند.

در این سمینار مفهوم زندگی حاشیه‌ای (یا زندگی در حاشیه اجتماع «Marginal» دقیقاً مورد بحث قرار گرفت و خارج شدن از دور زندگی عادی اجتماعی و رانده شدن از اجتماع را جزو خصائص جامعه صنعتی امروز دانستند. از آنجا که هر فردی باید از نظر جسم و روح - حرفه و فرهنگ دارای آمادگی کامل باشد آنهائیکه مختصر رخوتی از خود نشان دهند سرعت از

* انتشارات زیرزمینی. انتشارات ممنوعه‌ای از نظر قانون نیستند بلکه این انتشارات بطور منظم یا نامنظم بصور مختلف (چاپی و فست و پلی‌کپی) از طرف گروه‌های مختلف که دارای کارفرمای خاصی هستند نشر میشود.

دور چرخ گردان و سریع جامعه خارج میشوند. زیرا که قانون جامعه «بازده» است که منشاء اصلی تمام حرکات و تحولات جامعه میباشد. این موتور برای تولید هرچه بیشتر و سریعتر در گردش است و بعضی اینکه افراد جامعه در هر سن و موقعیتی که هستند نتوانند خود را با مقتضیات این قانون سازگار کنند از جامعه طرد میشوند. فرد مطرود ممکن است مرد چهل ساله‌ای باشد که بر اثر فرسایش سریع تخصص‌ها و دگرگونی مشاغل دیگر تخصص و تجربه‌اش بیکار نمی‌آید یا کسی باشد که در کشش رقابت، ناتوان و درمانده شده یا شخصی باشد که پاندازه کافی «نیرومند» و خشن نیست یا دانشجویی که با سرعت لازم و بموقع از عهده مسابقه یا آزمون خاصی برنمی‌آید. واضح است که اکثریت این مطرودین و «کنار زده‌ها» از میان جوانان هستند که قبل از ورود به جامعه از آن رانده میشوند و چون جوانان بیشتر آسیب پذیرند در برابر نابامانی های خانوادگی مشکلات آموزشی و کمبودهای عاطفی در معرض صدمات بیشتری هستند. هنگامیکه جوان درمییابد که در مقام مقایسه با دیگران و طبق ارزش های قابل قبول جامعه نمیتواند مقام و منزلتی در جامعه بدست بیاورد خود را مطرود فرض کرده و از دیگران دوری میجوید و وجودش را بی ارزش می‌پندارد این قطع رابطه موجب تسریع بیگانگی و جدائی او از سیستم اجتماعی است و جوان ناگهان خود را در موقعیتی می‌یابد که گوئی وظیفه‌اش نفي همه قوانین و ارزشهای اجتماعی است - نه فقط دیگر حاضر بکار کردن نیست بلکه اشتغال بکار یا فعالیت را که خود یکی از ارزشهای اجتماعی است رد میکند. بدین ترتیب مالکیت فردی و سایر ارزشهای اجتماعی را بتدریج یا بیکباره بکنار میزند و در نتیجه نزدی را کار ناپسندی نمیشمارد و کار بجائی میرسد که حتی به سلامت خودش هم اهمیت نمیدهد. مسیری که جوان در آن می‌افتد از غیبت‌های مداوم در مدرسه شروع شده و سپس تبدیل به فرار و ترک کانون خانوادگی میشود که همراه آن استعمال الکل و سیگار هم هست تا اینکه بالاخره با استعمال مواد مخدر خصوصاً مواد مخدر قوی انزوا و قطع رابطه او با جامعه بزرگراه نهائی خود میرسد. از اینرو عده‌ای درسمینار معتقد بودند که در این مرحله استعمال مواد مخدر برای جوانان دارای يك معنای سمبلیك است. بکار بردن مواد مخدر قوی برای جوان نشانه قطع رابطه او با اجتماع است. ممتد بتدریجیه میخواند بی‌اعتنائی خود را نسبت به تمام ارزش‌ها و اصول جامعه به خود و به دیگران ثابت کند در نتیجه گریز از جامعه و طرد ارزشهای اجتماعی و انتخاب میکند. درك و چاره جوئی این پدیده که در کشورهای غربی روبافزایش است تنها از طریق يك تجزیه و تحلیل اجتماعی امکان پذیر است.

بطور خلاصه نظر شرکت کنندگان در سمینار یونسکو این بود که استعمال مواد مخدر نشانه يك بحران کلی جامعه است. بویك بحران کلی ناشی از احساس گمگشتگی اجتماعی و فردی است. از اینرو توجه به شماره روز افزون معتادان و درك مسائل و مشکلات آنها و كوشش در باز دادن زندگی اجتماعی و سلامت و توانائی جسمی و روحی بآنها میتواند عامل مهمی در تغییر و تحول جامعه باشد. بنابراین یکی از راههای جب اعتماد معتادان و مبارزه برانگیختن آنها برای بازگشت به اجتماع و سلامت جسمی اینست که آنها را در مبارزه فردی و اجتماعی و در اصلاح و تغییر جامعه و سازمانهای اجتماعی شريك و سهمیم بسازیم. و این مخالفان و سرگشتگان عاصی و روگردان از اجتماع را که با بیماری و نابودی خود آسیب رسان جامعه هستند یاری کنیم و با درك مشکلات آنها با اصلاح بپردازیم و این نیروی مخرب را تبدیل بیک تیروی آموزنده نمائیم.

نتایج سمینار

سمینار یونسکو باین نتیجه رسید که معتادان بمواد مخدر را نمیتوان بیمار روانی یا افراد تن پرور و احيانا «بزهكار» دانست بلکه آنها افرادی هستند که در زندگی خانوادگی و حرفه‌ای و در رابطه با سازمانهای اجتماعی دچار مشكل شده‌اند و در حقیقت پناه به مواد مخدر پرده‌ای است برای پوشاندن این مشکلات. زندگی ماشینی مغرب زمین موجب کاهش و محدودیت ارتباط و تماس واقعی میان افراد است. در شهرهای بزرگ و پر جمعیت و در تراکم و ازدحام زندگی شهری افراد ظاهراً بهم نزدیک و در باطن و در عوالم درونی

انسانی که نیاز اساسی هر فرد بشری است از یکدیگر دور هستند. بکدل نبودن آنها و عدم اعتماد و عدم تفاهم متقابل احساس «تهائی» کشنده‌ای را در جهان درون و بیرون بشر ماشینی غرب بوجود آورده است فاصله و بیگانگی در رابطه جوانان با نسل گذشته شدیدتر و وخیم تر شده است. و چون جوانی دوران کشف روابط و شناخت زندگی فردی است اگر امکان تبادل افکار جوانان با نسل قبلی از بین برود جوان نمیتواند به تهائی موقعیت خود را در زندگی و در جامعه دریابد و در نتیجه خود را در يك «بن بست» و «تهائی» حس میکند و برای رهائی از این بن بست روانی و تهائی مطلق به مواد مخدر روی می‌آورد.

تمام شرکت کنندگان در سمینار بر این نظر بودند که انتشار اخبار و اطلاعات نباید فقط محدود به مواد مخدر و استعمال آنها باشد بلکه باید درباره مسائل اجتماعی و بویژه مسایل جوانان هم مطالب مشروحی منتشر شود. درباره مبارزه با استعمال مواد مخدر اشاره شد که برای کمک و رسیدگی کامل به افراد معتاد مراکز کافی وجود ندارد و ایجاد مراکز مجهز درمانی بصورت آسایشگاه‌های مناسب که به معتاد امکان تماس با طبیعت و فعالیت های هنری و ذوقی را میدهد ضروری بنظر میرسد. در این مراکز با ایجاد حس اعتماد و خوشبینی در معتاد میتوان او را بزندگی طبیعی بازگرداند.

شرکت کنندگان در سمینار با هر گونه شدت عمل نسبت به معتادان مخالفت ورزیدند و معتقدند که شدت عمل و سختگیری باید در مراحل تولید و قاچاق مواد مخدر و همچنین به مواد مخدر صنعتی که کارخانجات بزرگ باعث سوءجویی با سم مواد مسکن و غیره تهیه میکنند صورت بگیرد نه در مورد مصرف کنندگان که افرادی بی دفاعند و احتیاج بكمك جامعه دارند.

توصیه های سمینار یونسکو در پایان جلسات بدین شرح اعلام شد:

۱- تعلیم استعمال مواد مخدر از مسائل جنائی بزهکاری و توجه بیشتر به جوانب روانی و اجتماعی مسئله.

۲- تسلط و انتشار مطالب صحیح درباره مواد مخدر بمشغول آشنا ساختن مردم و خصوصاً جوانان به زبانهای ناشی از این مواد.

۳- افزایش امکانات درمانی با تاسیس مراکز مجهز با در نظر گرفتن تمام جنبه های پزشکی روانی و اجتماعی مساله اعتیاد.

۴- اشاعه روشهای جدید آموزش و پرورش بقسمی که باسخگوئی و آموزش های گوناگون بکسل جوان باشد و كوشش در مبارزه با آموزشهای ملال انگیزی که خود موجب اعتیاد جوانان میشود و سعی در مطلوب ساختن آموزش.

۵- بکار بردن تمام وسائل آموزشی - خبری و فرهنگی در یاری دادن به جوانان برای رشد و شکل دادن به شخصیتشان و دست یابی بیک مفهوم کلی جهانی و انسانی برای زندگی.

در این سمینار به نتیجه دیگری اشاره شد و آن اعتراض غالب معتادان نسبت به ارزشهای اجتماعی بود. آنها این ارزشها را دروغ و فریبنده می‌دانند و در نتیجه با طرد این ارزشها به اعتیاد کشانیده میشوند. باید این گونه افراد معتاد را بدور هم گرده آورد و با روشهای معمول ترك اعتیاد روابط سالم انسانی با آنها برقرار نمود و به تماس نزدیک با طبیعت و دوری از زندگی ماشینی اهمیت بیشتری داد. پرداختن بکار های دستی و پرورش ابتکار و ذوق شخصی و ارضاء حس زیباپرستی و دوری از زندگی ماشینی و خلق يك اثر مادی یا هنری و احساس مفید بودن معتاد را ارضاء خواهد کرد و در رهائی او از اعتیاد به مواد مخدر بسیار موثر خواهد افتاد.